

پیش‌خوران

«فرهنگ و سیاست ایران در عصر تجدد»

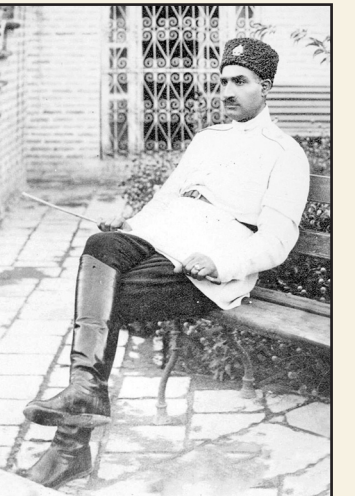
در آینه یک پژوهش نوانتشار

تلاش همه‌جانبه برای تغییر ساختار!

■ محمد رضا کائینی



آغاز قرنی که آن را سپری کردیم، مصادف است با کلید خوردن دگر گونی‌ها و تغییر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در ایران، به مدد اجبار! به واقع این ساختار شکنی‌ها، بنسأ بود که با پیدایش مشروطیت در کشورمان، اجزایی و نهادینه شوند! از این همه و با تمامی بختیاری‌های جناح غالب کشمکش، چیزی نبود که کشورهای مداخله‌گر و جناح‌های حامی آنان را در ایران راضی بدارد. هم از این بابت، روی آوردن به دیکتاتوری منور و تجدد به مدد حماق، کلید خورد و طی ۳۰ سال، آثار و پیامدهای فراوانی را موجب گشت. بی‌تردید رضاخان، تنها سخت‌افزار این تغییرات به ششمار می‌رفت و طراح و برنامه‌ریز آن، شبیه روشنفکرانی بودند که در این مسیر، نقش نرم‌افزاری داشتند و نقشه راه دیکتاتور را ترسیم می‌کردند. جالب اینجاست که بسیاری از آنان پس از اتمام مأموریت تاریخی خویش، مغضوب قزاق شدند و اگر ره به ستوی پزشک احمدی نبرده باشند، در گوشه و کنار خانه‌نشینی و اختفا را برگزیدند! سرنوشت رضاخان نیز در نهایت، بهتر از مغضوبین وی نبود! او پس از ۲۰ سال خدمت به باتیان سلطنت خویش و به دلیل ارتکاب چند فقره بی‌مبالایی، به‌گونه‌ای تحقیر آمیز از سلطنت خلع و از کشور اخراج و تبعید شد و سرنوشت وی، نشان و عبرتی برای آیندگان شُدا! نتیجتاً می‌توان چنین گفت که خوانش آنچه از کودتای ۱۳۳۰ اسفند ۱۲۹۹ تا ۲۵ شهریور ۱۳۳۰ در کشورمان رفته، در زمره ضرورت‌های تاریخ‌نگاری معاصر به شمار می‌رود. چه اینکه، بسا از هر آنچه در عرصه‌های گوناگون و هر روز بیشتر بر ما رخ می‌نماید، حاصل روندی‌های



➤ رضاخان سوادگویی پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹

است که در دوران سلطنت رضاخان بنیانگذاری شد و عوارض آن، همچنان خود را بر کشور تحمیل کرده است! «فرهنگ و سیاست ایران در عصر تجدد» را علیرضا ذاکر اصفهانی به رشته تحریر درآورده و مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، آن را منتشر ساخته است. ناشر در دیباچه این اثر و در باب گریزات این پژوهش، چنین آورده است: «دوره تاریخی مورد بحث (۱۳۰۰–۱۳۲۰) دوران گذار، آشفتگی و تغییرات سریع و همه‌جانبه بنیادین در حوزه‌های مختلف از جمله فرهنگ و سیاست است. اثر حاضر، مربوط به بررسی جریانات و عوامل تعیین‌کننده و هدایت‌کننده فرهنگ و سیاست در ایران عصر پهلوی اول (رضاخان)، است که با اتکا به گفتمان جهان سومی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ قمری در ایران، مبتنی بر زیرگفتمان شرق و با گرایش به اندیشه‌های فلاسفه پست مدرن آلمانی تألیف شده و بیش از هر چیز، به شرق‌شناسی ادوارد سعید و سایر تئوری‌هایی که به تبیین روابط پیرامون محور در نظام بین‌المللی اشاره دارند، تکیه دارد. جدایی از گفتمان غالب ذکر شده، در این تحقیق سعی شده به تمام اشکال فرهنگی این دوره، شامل آثار مکتوب و مکتوبات تحقیگان سیاسی فکری تأثیرگذار و نیز نحوه اتخاذ خط‌مشی حاکمیت در ارتباط با آنها و در نهایت نحوه اجرایی کردن تفکرات جدید در ساحت نهادها و تأسیسات فرهنگی مدرن اشاره شود.

آنچه پیش از همه به آن توجه شده است و پیگیری می‌شود، اثبات عدم استقلال این وضعیت فرهنگی – سیاسی نوین و پیوند کامل مناسبات فرهنگی با آرای شرق‌شناسی و در عین حال فضای فرهنگی غرب جدید است.»

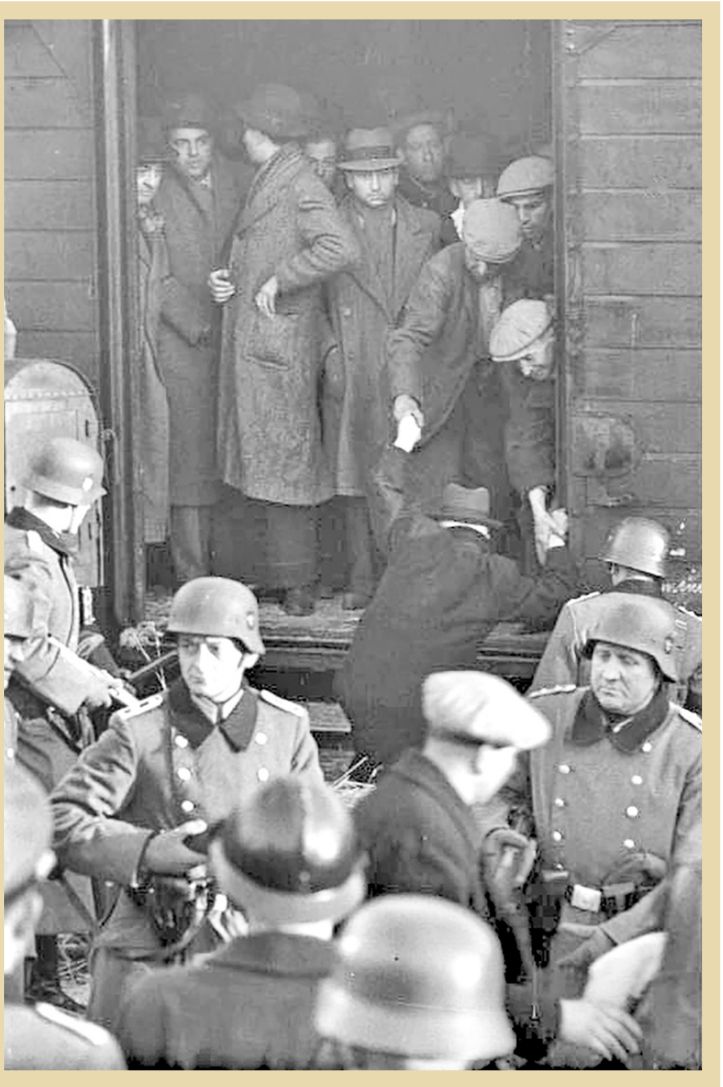
■ **انوشه میرمرعشی**

یکی از بهانه‌های اصلی یهودیان صهیونیست یهودیانی که هویت خود را بر مبنای قومیت تعریف می‌کنند، نه پیروی از دین حضرت موسی(ع) برای اشغال کشور فلسطین و تشکیل کشور جعلی اسرائیل، مسئله «هولوکاست» و کشتار یهودیان در جریان جنگ جهانی دوم بوده‌است.ادعایی که برای اثبات آن مقاله، گزارش و رمان‌های زیادی نوشته و فیلم و سریال‌های زیادی هم در غرب ساخته شد، اما حالا دیگر بیش از دو دهه است که تر دیدهای جدی، درباره رخدادهای هولوکاست و ایجاد آن ایجاد شده و اساس آن زیر سؤال رفته است!شکی مهم که هویت اشغالگران فلسطینی را با چالشی جدی مواجه کرده است. هم از این روی در مقال بی‌امده و در آستانه فرارسیدن «روز قدس» فرآیند زیر سؤال رفتن ادعای صهیونیست‌ها در این باره و چگونگی آن را مورد بازخوانی قرار داده‌ایم.امید آنکه تاریخ‌پژوهان صهیونیسم و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **تاوان جهان اسلام برای هولوکاست**

هولوکاست از دو واژه یونانی «Holos» به معنی همه و «Kaustos» به معنای سوزاندن و نابود کردن تشکیل شده است. در واقع «هولوکاست» در لغت، به معنای «همه‌سوزی» و در اصطلاح، به معنای نسل‌کشی به کار برده می‌شود.صهیونیست‌ها، دهه‌هاست که ادعا می‌کنند هیتلر و آلمان‌های نازی به قصد نابودی یهودیان جهان و طی جنگ جهانی دوم، ۶ میلیون یهودی را کشته‌اند!آنها مدعی هستند که آلمان هیتلری، با به اسارت گرفتن یهودیان اروپا طی سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ میلادی اجساری مانند اردوگاه‌های «اشوویتس و مایداناک» فرستاده و مدتی پس از بیگاری، با فرستادن دسته جمعی‌شان به اتاق‌هایی شبیه حمام و یا گازهای سمی، ابتدا خفه‌شان کرده و سپس اجسادشان را سوزانده است!^(۱)



نگاهی به چند و چون خدشه به انگاره نسل‌کشی یهودیان در جنگ جهانی دوم

آل احمد: برای من هاگانا با دسته‌های اس اس فرقی ندارد!

پس از اتمام جنگ جهانی دوم، دادگاهی در شهر نورنبرگ سوتیس، برای محاکمه سران آلمان نازی برپا شد. لمحققان و پژوهشگران زیادی، آن را دادگاهی نمایشی می‌دانند! در این دادگاه، نقش اصلی را صهیونیست‌هایی بر عهده داشتند که بیشتر آنان از اعضای شرکت‌کننده در کنگره جهانی یهود بودند. ناحوم گلدمن، رئیس سازمان جهانی صهیونیسم، طی مصاحبه‌های گمنبه بود: «ایده برگزاری چنین دادگاهی، ابتکار تعداد معدودی یهودی بود که در کنگره شرکت داشتند» در واقع بیشتر یازپرسان دادگاه نورنبرگ، از یهودیان آلمانی تشکیل می‌شدند که با شروع جنگ جهانی دوم، به امریکا مهاجرت کرده بودند. آنها توانستند در این دادگاه، با اعتراف گیری همراه با شکنجه، ادعای کشتار ۶ میلیون یهودی توسط نازی‌ها را به وسیله ابزارهای رسانه‌ای که در اختیار داشتند، به مردم دنیا القا کنند!رسانه‌هایی چون خبرگزاری روتیزر و خبرگزاری هساواس و نیز روزنامه‌هایی چون تایمز، اکسپرس، فینگارو، نیویورک تایمز و واشنگتن پست که همگی در انحصار یهودیان صهیونیست بودند، تا چهار دهه بعد، آنگذر این ادعاها را تکرار کردند.توانستند گزاره غیرقابل انکاری برای مردم جهان تولید کنند که براساس آن مردم دنیا باور کردند یهودیان مظلوم‌ترین مظلومان جهان هستند و برای جبران ظلم‌هایی که در قحطان شده است، جهان باید تاوان بپردازد و آن را جبران کند!البته در کمال تعجب، بر مبنای همان ادعای کشتار ۶ میلیون نفر از یهودیان در جریان جنگ جهانی دوم، نه کل جهان که تنها جهان اسلام تاوان دادا و زمینه برای تشکیل دولت یهود (نظریه تئودور هر تزل) و اشغال فلسطین فراهم شد.

■ **ادعاهایی که زیر سؤال رفت!**

اولین بار ویلیام کارل (فیلمساز) و آنت ویو اوکا(مورخ فرانسوی)، شروع به نوشتن مقاله‌هایی انتقادی درباره هولوکاست کردند. آنها با ارزیابی و تحلیل عکس‌هایی که از جنگ جهانی دوم باقی مانده بود و نشان می‌داد تعدادی سرباز آلمانی در کنار اجسادی، آن هم نزدیک کوره‌های آتش ایستاده‌اند، این سؤال را مطرح کردند که اگر این افراد یهودی‌ها] به وسیله گازهای شیمیایی کشته شده‌اند،

عاریخ

کفت و کوم ۸۸۴۹۸۴۲۷

و تصویری خود کردند و با زدن انگ «یهودستیز»، سیاست منزوی کردن آنها را در پیش گرفتند. با این همه این تبلیغات وسیع، مانع از نوشته شدن مقالات و کتاب‌های جدید، علیه ادعاهای هولوکاستی صهیونیست‌ها نشد!بنابر این با تحرک و نقش آفرینی مستقیم اسرائیل در سال ۱۹۸۶ م. (۱۳۶۵ ش.)، قانونی در فرانسه به تصویب رسید که بر طبق آن، هر کس را که به نحوی در واقع هولوکاست شک ایجاد کند، مجرم اعلام می‌کرد! این قانون حتی تحقیق درباره هولوکاست را هم ممنوع اعلام کرده بود!به سرعت و بعد از فرانسه، کشورهای آلمان و اتریش و سپس بلژیک، سوئیس، اسپانیا و لیتوانی نیز طی چهار سال، این قانون را در مجالس خود به تصویب رساندند. به این ترتیب تجدیدنظر طلبان در اروپا، برای نوشتن علیه هولوکاست و عدم برائت از نوشته‌های قبلی خود، مجرم شناخته شده و به زندان می‌افتادند و تعدادی از آنها مانند روزه گارودی و روبر فورسون، مجبور می‌شدند برای خلاصی از زندان، جریمه‌های بسیار سنگینی به دولت‌های شان (فرانسه و آلمان) بپردازند!^(۲) این در حالی بود که در همین کشورها مدعی آزادی اندیشه و بیان، منکران خدا، دین و مقدسات مسیحیت، با آزادی کامل هر آنچه دوست دارند بزربان می‌آورند و می‌نویسند، بدون اینکه قانون آنها را مجرم بداند!

■ **آل احمد و بیشگامی در انکار هولوکاست**
بعد از اشغال رسمی فلسطین توسط صهیونیست‌ها و تصویب تشکیل کشور جعلی اسرائیل در سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ م. (۱۳۲۷ ش.)، علما و روحانیون ایران در کنار علمای سایر کشورهای اسلامی، علیه این اشغالگری موضع گرفتند. در رأس این علما و روحانیون، آیت‌الله سیدابوالقاسم کشانی و شهید سیدمحمدجنی نواب غفاری و رهبر جمعیت فدائیان اسلام قرار داشتند. این علما و روحانیون با صدور بنامیه، بر پایی اجتماعات اعتراضی و سخنرانی از فلسطینیان حمایت کرده و علیه اشغالگری صهیونیست‌ها شوریدند.^(۳) البته قاعدتاً از آنجا که علما و روحانیون از مسائل تاریخی مربوط به ادعای هولوکاستی صهیونیست‌ها اطلاع دقیق و چندانی نداشتند، در برهه آن، موضعی هم اتخاذ نکردند و تنها به محکومیت اشغالگری آنها پرداختند. می‌شود گفت اولین ایرانی که قبل از افشاجری تجدیدنظر طلبان اروپایی، واقعه هولوکاست را انکار کرد، زنده‌یاد جلال آل احمد بود. او در سفر به اسرائیل به همراه گروهی از اصحاب قلم و روشنفکران هم‌دوره خودش در سال ۱۳۴۱ ش. خیلی زودتر از کسانی مانند ویلیام کارل فرانسوی فورسون آلمانی به ادعاهای هولوکاستی صهیونیست‌ها خدشه وارد کرد و آن را زیر سؤال برد. آل احمد رسماً آن روی سکه این مظلوم‌نمایان را فاشیسم نامید و در کتابش نوشت: «کنته دیگر اینکه، من گرچه در این شهیدنمای مجزای صهیونیست‌ها خدشه وارد کرده‌ام، یک میلیون یهودی از اروپا به فلسطین اشغالی کوچانده شده‌اند، چطور امکان دارد که در سال ۱۹۲۰ م. (۱۳۴۹ ش.) جمعیت یهودیان اروپا ۶ میلیون نفر باشد؟! آیا بر اساس ادعای بزرگ‌زاری استدگان دادگاه نورنبرگ، آن معدود یهودیان باقی مانده بعد از جنگ – که تعدادشان در اروپا نیز دیک به ۴۰۰ هزار نفر بود – می‌توانستند با پلوروی بسیار بالا در طول ۲۵ سال، جمعیت خود را از ۲۰۰ هزار نفر به ۶ میلیون نفر برسانند؟»

این سوالات، تردیدهایی اساسی در صحت ادعاهای مطرح شده توسط صهیونیست‌ها ایجاد کرد. به علاوه جناب خطرات کهنه سربازان آلمانی در نشر به‌های محلی آلمان، این نکته را یادآور شده که در میانه جنگ جهانی دوم، یعنی در سال ۱۹۴۲ م.، شیوع دو بیماری همه گیر وبا و تیفوس در کشورهای تحت‌اشغال آلمان و در اردوگاههای اسرا، باعث مرگ تعداد زیادی از اسیران مسیحی و یهودی شد. دستورات آتش آلمان برای سوزاندن اجساد قربانیان بیماری تیفوس، در واقع راه‌حلی برای عدم انتقال بیماری به سایر اسرا بود! به این شکل کم‌کم تعداد شک‌کنندگان به ادعای هولوکاست یهودیان، روز به روز در اروپا زیادتر شد. فرآیندی که همچنان نیز تداوم دارد.^(۴)

■ **یهودیانی که فریب صهیونیست‌ها را نخوردند**

جالب است که از همان ابتدای تشکیل کشور اسرائیل روند کوچاندن یهودیان از سرزمین جهان به فلسطین اشغالی، بر برخی یهودیان که فطرت پاکی داشتند، عملکرد هم کیشیان صهیونیست خود را محکوم می‌کردند. مثلاً مریم فیروز (مریم قربانفر مایبان و همسر نورالدین کینائوری، رهبر سابق حزب توده) در کتاب خاطراتش در دوره‌ای که در آلمان شرقی زندگی می‌شود، و چون خانم سوزاندن اجساد قربانیان بیماری تیفوس، در واقع راه‌حلی برای عدم انتقال بیماری به سایر اسرا بود! به این شکل کم‌کم تعداد شک‌کنندگان به ادعای هولوکاست یهودیان، روز به روز در اروپا زیادتر شد. فرآیندی که همچنان نیز تداوم دارد.^(۵)

■ **منکر هولوکاست، مجرم‌تر از منکر خدا!**

از سال ۱۹۸۰ م. (۱۳۵۹ ش.)، ده سال به تعداد کسانی که خود را «تجدیدنظر طلب» می‌نامیدند و با مقاله و کتاب‌هایشان ادعاهای صهیونیست‌ها را زیر سؤال می‌بردند، اضافه می‌شد! اتفاقی که قطعاً به مذاق صهیونیست‌ها، خوش نمی‌آمد و عکس‌العمل آنها را به دنبال داشت. به این شکل که صهیونیست‌ها، شروع به تهمت زدن به تجدیدنظر طلب‌ها در رسانه‌های مکتوب علیه خود را با جنایات صهیونیست‌ها ابراز می‌کردند، بلکه یهودیانی حتی در خاک فلسطین اشغالی هم، موضعی مانند گروندیش داشته‌و همچنان دارند. مثلاً «اسرائیل شاهاک»، نام استاد دانشگاه و نویسنده‌ای یهودی و لهستانی الاصل بود که در سرزمینهای اشغالی زندگی می‌کرد. او دکتری شیمی داشت و رئیس جامعه حقوق بشر و شهروندان اسرائیل بود. شاهاک از منتقدان واقعی صهیونیسم، در خود صهیونیست‌ها، نفرت شدیدی از او داشتند و در رسانه‌ها، القاب بسیار زشتی به او می‌دادند! حتی در برهه‌ای از زمان، خبر مرگش را اعلام کردند! در حالی که او زنده و سالم، در سفر امریکا به سر می‌برد! خلاصه دولت اسرائیل به خاطر انتقادات از او صهیونیسم و دفاعش از حقوق فلسطینی‌ها، تا سال ۲۰۰۱ میلادی برابر با ۱۳۸۰ ش. – که به خاطر ابتلا به بیماری دیابت فوت شد- هر گونه محدودیتی برای او به وجود آورد! شاهاک در کتابش «جولت نژادپرست اسرائیل» که در دهه ۹۰ میلادی چاپ شد، علاوه بر

شرح جنایات اعضای گروه هاگانا علیه فلسطینی‌ها طی یک دهه، مطالب جالبی درباره وضعیت بغرنجی که صهیونیست‌ها برای ۲۲۰ دختر و زن اسرائیلی تازه مسلمان شده ایجاد کرده بودند، می‌نویسد.^(۶) این یعنی حتی در خود فلسطین اشغالی و در میان صهیونیست‌ها هم، زنان و مردان حق طلبی پیدا می‌شوند که پس از مواجهه با حقیقت آن را پذیرفته، اسلام را انتخاب کرده و مسلمان شده‌اند و همچنان می‌شوند. این مسئله به دلیل افزایش مضاعف خویش، اسباب نگرانی صهیونیست‌ها شده است.

■ **روند نقد افسانه هولوکاست در ایران**

با اینکه نظام جمهوری اسلامی و در رأس آن بنیانگذار کبیر آن یعنی حضرت امام خمینی(ره)، از بزرگ‌ترین حامیان فلسطین و از سرسخت‌ترین مخالفان رژیم صهیونیستی محسوب می‌شوند، ولی تا ابتدای دهه ۷۰ شمسی، بیشتر ایرانیان اطلاعات بسیار کمی درباره چگونگی زیر سؤال رفتن ادعای هولوکاستی صهیونیست‌ها داشتند، اما طی دهه ۷۰ و با ترجمه کتاب و مقالات تجدیدنظر طلبان غربی به فارسی و مهم‌تر از آن درج اخبار مربوط به زندانی شدن محققان برجسته‌ای چون روزه گارودی به خاطر انتقاد از هولوکاست در رسانه‌ها، ایرانیان تا حدودی نسبت به دروغ‌های صهیونیست‌ها درباره کشتار وسیع یهودیان در جنگ جهانی دوم، آگاهی پیدا کردند.

با روی کار آمدن دولت نهم در دهه ۸۰ و سؤال مهم رئیس جمهور آن دولت از دولت‌های غربی درباره هولوکاست، حساسیت زیادی روی این موضوع در ایران و جهان اسلام ایجاد شد! آن دو سؤال این بود: ۱- اگر ادعاهای شما درست است و چنین کشتار سازمان یافته‌ای برای از بین بردن یهودیان در جریان جنگ جهانی دوم اتفاق افتاده، چرا اجازه تحقیق درباره این موضوع به پژوهشگران مستقل داده نمی‌شود؟

۲- بر فرض قبول چنین کشتار وسیعی توسط نازی‌ها علیه یهودان، چرا باید مردم فلسطین تاوان آن جنایات را بدهند؟ و سرزمین‌شان اشغال و اموال‌شان غارت شود؟ چرا آنها متلادر جایی مانند اروپا اسکان داده نمی‌شوند؟ همچنین به دلیل تأکید چندباره رهبر معظم انقلاب بر اصطلاح «افسانه هولوکاست»، نظر سایر مسلمانان جهان و حتی رسانه‌های مستقل شرقی و غربی به این مسئله بیشتر جلب شد و مسئله ابعادی جهانی و بین‌المللی یافت.

■ **کلام آخر**

با تلاشی که نظام جمهوری اسلامی ایران و پژوهشگران حقیقت‌جو و مستقل جهان کرده‌اند، افراد بسیاری در کلی دنا و از جمله در خود کشورهای غربی، نسبت به علت اصلی از مجموعه دلایل تشکیل کشور اسرائیل، به شک و شبهه افتاده‌اند! در مقابل، انعکاس اخبار جنایات و کشتار اسرائیلی علیه مردم فلسطین و مظلوم فلسطین، موجب شده که روشنفکران جهان و از جمله کشورهای غربی، بسیاری از مردم حامی فلسطینیان شوند و نسبت به اشغالگری صهیونیست‌ها، معترض باشند. اتفاقی که روز به روز، هویت صهیونیستی‌ها را بیشتر زیر سؤال می‌برد و مشروعیت‌شان را در اشغالگری و غصب زمین و اموال فلسطینی‌ها از بین می‌برد! آنچنان که رهبر معظم انقلاب اسلامی در چهارمین کنفرانس حمایت از مردم فلسطین در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۸۷ ش. فرمودند: «عدم رد رسنه‌های غربی و صهیونیستی و دولت‌های حامی صهیونیسم در برابر حتی طرح سؤال و تحقیق درباره هولوکاست که بهانه غصب فلسطینی بود، یکی از نشانه‌های آن تزلزل و انهام است. اکنون وضع رژیم صهیونیستی از همیشه تاریخ سیاه خود در افکار عمومی جهان بدتر و پرشش از دلیل پیدایش آن جدی‌تر است. اعتراض می سابق به خود خود و جبهه جهانی از شرق آسیا تا امریکا لاتین علیه آن رژیم و تظاهرات مردمی در ۱۲۰ کشور جهان و از جمله در اروپا و در انگلیس که خاستگاه اصلی این شجره خبیثه بود و دفاع آنان از مقاومت اسلامی غزه و از مقاومت اسلامی لبنان در جنگ ۲۳ روزه نشان می‌دهد که یک مقاومت جهانی علیه صهیونیسم پدید آمده که در ۶۰ سال گذشته هرگز تاین حد، جدی و حمیم نبوده است. می‌توان گفت مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین توانسته است و سؤال جهانی را بیدار کند.»

پی‌نوشت‌ها

۱- صفات، مجید، «نشنامه صهیونیسم و اسرائیل»، جلد ۳، ص ۸۳

۲- سیدعبدارحمان الرفاعی، فؤاد، «فئود صهیونیسم بر سرسناه‌های خبری و سساژ مان‌های بین‌المللی، انتشارات کیهان چاپ ۱۳۷۷ ش. صفحات ۱۶ تا ۲۵ و ۳۳ و ۳۴»

۳- فورسون، روبر، «اتاق‌های گاز در جنگ دوم جهانی» و «قیعت یا افسانه؟» با مقدمه نوام جامسکی- ترجمه سیدابوالفرید ضیاءالدینی، نشر مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاءاندیشه، چاپ اول ۱۳۸۱ ش. صفحات ۹ تا ۱۵ و ۶۵

۴- حلاج نیشابوری، محسن، مقاله «شناخت غرب و پیدایش صهیونیسم»، روزنامه کیهان، شماره ۱۸۶۹۸، مورخ ۱۶ آذر ۱۳۸۶ ش.

۵- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب «ایران اسلامی در برابر صهیونیسم»، نوشته سیدجلال‌الدین مدنی، انتشارات سروش، چاپ ۱۳۴۲ ش.

۶- آل احمد، جلال، «سفر به ولایت عزرائیل»، انتشارات فردوسی، چاپ پنجم ۱۳۸۴ ش. صفحات ۵۸ و ۹۸ و ۹۹

۷- مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه، «خطرات مریم فیروز»، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم ۱۳۸۷ ش. ص ۱۵۰

۸- شاهاک، اسرائیل، «دولت نژادپرست اسرائیل»، ترجمه دکتر ام‌ان‌الله ترجمان، انتشارات پرشکوه، چاپ اول ۱۳۸۰ ش. ص ۷۲ و ۷۳

